

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Vanguard Woman

زن پیشواز

نویسنده: *Kristen R. Ghodsee

برگردان از: مرمر کبیر

فرستنده: دیپلوم انجنیر نسرين معروفی

۲۰ دسمبر ۲۰۲۱

«مادر بزرگ‌های سرخ» جنبش بین‌المللی زنان

(۲)

نقش فراموش شده فمینیست‌های کشورهای شرق و جنوب



مدرسه «همبستگی، آگاهی و دوستی»

زنان افریقانی و آسیایی در مدرسه «همبستگی، آگاهی و دوستی»، صوفیه ۱۹۸۰، عکس از آرشیو شخصی النما

لاگادینوا

اما این نظر نمایندگان بلوک شرق نبود، آنها قصد داشتند تا از این کنفرانس به عنوان تریبونی برای مبارزه با آنچه که ریشه نابرابری جنسیتی می دانستند استفاده کنند. به ویژه ، آنها از فراخوان نمایندگان افریقا ، آسیا و امریکای لاتین برای خلع ید از شرکت های بزرگ میراث دوران استعمار و ملی کردن منابع برای تأمین مالی توسعه اجتماعی و اقتصادی ، در جهت بهبود وضعیت زنان و کل جامعه، پشتیبانی می کردند.

در کنفرانس جهانی مکسیکو سیتی ، ۱۱۳ تن از ۱۳۳ رئیس هیأت های حاضر زن بودند. اتحاد جماهیر شوروی کیهان نورد و النینا ترشکوا را به ریاست هیأت خود منصوب کرد و بلغارستان النا لاگادینوا، دارای دکترای زیست شناسی و کشاورزی را انتخاب کرد که یکی از جوانترین مبارزان علیه رژیم سلطنتی در کشورش بود، رژیم متحده نازی ها در جنگ دوم جهانی. شیبسا کانکاسا ، قهرمان مبارزه برای استقلال زامبیا درمقابل انگلستان، نماینده زامبیا بود که به دلایل شخصی مجبور به لغو سفر خود گردید. ویلما اسپین دو کاسترو کوبائی مبارز انقلابی و همسر آقای رائول کاسترو، برادر فیدل ، گزارشی از پیشرفت جزیره خود در زمینه رهائی زنان ارائه داد: «ما هم اکنون به اهدافی که در این کنفرانس مطرح می شود رسیده ایم. در اینجا می توانیم تجربه خود را با زنان دیگر به اشتراک بگذاریم. زنان نیمی از مردم یک کشورند و اگر شما در سیاست دخالت نکنید ، هرگز چیزی را تغییر نخواهید داد. » او در سال ۱۹۶۰ فدراسیون زنان کوبا را تشکیل داد که چندین میلیون عضو داشت.

در ابتداء ایالات متحده در نظر داشت یک مرد را به عنوان رئیس هیأت نمایندگی به آن جلسه بفرستد : دانیل پارکر ، مدیر آژانس توسعه بین المللی ایالات متحده (Usaid) برای امریکائی ها ، این کنفرانس فرصتی برای بحث در مورد زنان فراهم می کرد. بنابراین آنها معتقد بودند که یک مرد می تواند موقعیت کشور خود را در مورد موضوعات مورد بحث کاملاً شرح دهد. تنها پس از اعتراضات فمینیست ها بود که خانم پاتریسیا هوتار به عنوان یکی از دو رئیس هیأت نمایندگی منصوب شد. علاوه بر این ، واشنگتن به منظور جلوگیری از «سیاسی» شدن بیش از حد بحثها، از حضور خانم الیزابت فورد، بانوی اول امریکا، در این کنفرانس جلوگیری کرد. به عکس ، زنان بلوک شرق قصد داشتند با مداخله در موضوعات داغ ژئوپلیتیک روز، وزن مردان در سمت های ارشد ملل متحد و در وزارتخانه های خارجه را متعادل تر کنند. نمایندگان کشورهای جنوب خواستار صحبت درباره توسعه ، استعمار ، نژادپرستی ، امپریالیسم و توزیع مجدد ثروت در مقیاس جهانی بودند. چگونه می شد در افریقای جنوبی که در چنگال آپارتاید گرفتار بود و یا در یک کشور افریقائی مستعمره سابق که با فقر، خشونت و افزایش سطح بدهی های خارجی دست و پنجه نرم می کرد تنها از برابری جنسیتی به صورت انتزاعی سخن راند؟

نمایندگان افریقا بر این واقعیت تأکید کردند که مبارزه علیه نژادپرستی به اندازه مبارزه با تبعیض جنسیتی اهمیت دارد. آنی جیاگه ، قاضی دادگاه عالی دادگستری غنا و رئیس هیأت نمایندگی کشورش ، گفت: «این دو معضل دو روی یک سکه هستند.» این وکیل مخالفت خود را با موضع امریکائی ها ابراز کرد : « آنها می خواهند بحث را بر سر برابری جنسیتی متمرکز کنند در حالی که ایالات متحده به جنرال آگوستو پینوچیت کمک کرده تا سالوادور آلنده ، رئیس جمهور چیلی را که به طور دموکراتیک انتخاب شده است ، سرنگون کند و هنوز ویتنام را بمباران می کند.» جیاگ در فراخوانی که در سال ۱۹۷۵ منتشر شد ، نوشت « برای ایجاد تغییرات حرف زنان را گوش دهید» ، وی اظهار داشت: « رهائی زنان بدون اراده آنها برای هم راستائی مبارزه شان در راه آزادی با مبارزه برای رهائی از همه قید و بند های دیگر در جامعه بی معنی است. زن آزاد شده از تبعیض جنسیتی نمی تواند ستمگری در دیگر عرصه ها را در کشورش تحمل کند. در جهانی که یک سوم جمعیت دو سوم کل ثروت را در انحصار خود دارند ، کشورهای ثروتمند باید سبک زندگی خود را تغییر دهند (۲).»

«نزدیکتر به کارل مارکس تا به بتی فریدان»

همبستگی بین زنان کشورهای سوسیالیستی و کشورهای جنوب مشکلات ایدئولوژیکی را برای زنان غربی ایجاد می کرد. آنها با تعجب، مشاهده می کردند که هم‌تایان جنوبی شان فمینیسم الهام گرفته از لیبرالیسم را نفی کرده ، عقاید غربی ها را امپریالیستی می خواندند و به زعم آنها ، امریکائی ها و متحدانشان درست درک نمی کردند تا چه حد زنان سایر کشور ها سلطه نظام سرمایه داری را ریشه ظلم به خود می دانند. جین جاکت، کارشناس امور سیاسی امریکائی که در گردهمائی سازمانهای غیر دولتی که به موازات کنفرانس رسمی در مکزیکو برگزار می شد شرکت می کرد گفت: « فمینیست های امریکای شمالی از این که دیگر زنان معتقد نبودند که مرد سالاری علت اصلی ستم به زنان است و مشاهده این امر که زنان جهان سوم بیشتر به کارل مارکس احساس نزدیکی می کردند تا به بتی فریدان [فمینیست امریکائی] تعجب می کردند» (۳).

در فضای بحث غیررسمی ، برخی از زنان کشورهای غربی نیز حضور داشتند که فمینیست سوسیالیست یا کمونیست بودند - این امر به ویژه در مورد زنان سیاه پوستی مانند آنجلا دیویس صادق بود. با این حال ، نظرات آنها در هیأت های رسمی ، جایی که تقابل شرق و غرب حاکم بود انعکاس رسمی نداشت. آروون فریزر در سال ۱۹۸۷ در کنفرانس مکزیکو سیتی نوشت: «زنان امریکائی متوجه شدند که می توانند مورد تحقیر هم واقع شوند و این امر برخی از آنها را به شدت شوکه کرد. در حالی که جنبش فمینیستی جدید امریکائی از آنها می خواست همه زنان را انسانهایی بدانند که با یک هدف مشترک متحد شده اند و همه زنان جهان را دوست خود بدانند. در اولین اجلاس بین المللی فهمیدند که اینگونه نیست و این مشاهده برای برخی باعث ناامیدی و حتی دلسردی گشت» (۴).

پس از کنفرانس مکزیکو سیتی ، بسیاری از دولت ها قوانین جدیدی را تصویب ، آمارهای دقیقی را جمع آوری و دفاتر و وزارتخانه های ویژه زنان را ایجاد کردند. با تلاش دیپلمات ها و فعالان ، حمایت از اموال ، ارث ، حضانت فرزند و تابعیت (۵) افزایش یافت. دولتها مجبور شدند مرخصی والدین ، مهدهای کودک ، کمک هزینه های خانواده و سایر منابع را که برای حمایت از زنان در نقش دوگانه خود به عنوان کارگر و مادر در نظر گرفته شده است ، افزایش دهند. در سال ۱۹۸۰ ، در کپنهاگ ، چندین کشور عضو ملل متحد کنوانسیون رفع انواع تبعیض علیه زنان را امضا کردند ، پیمانی که ایالات متحده و همچنین تعداد معدودی از کشورهایی که در این زمینه سرسختی می کنند، مانند ایران ، سودان و سومالی هنوز آن را امضاء نکرده اند.

در طول دهه ملل متحد برای زنان (۱۹۷۵-۱۹۸۵) ، FDIF تأمین مالی شرکت در کنفرانس ها در مکزیکوسیتی ، کپنهاگ و نایروبی را برای صدها فعال از کشورهای جنوب به لطف پیشنهاد بلیط مجانی هواپیما از جانب Aeroflot ، Balkan Air ، هواپیمائی JAT Yugoslav Airlines و سایر خطوط هوائی بلوک شرق مهیا کرد. در سال ۱۹۷۷ ، FDIF و فدراسیون زنان کوبا مدرسه ای را در هاوانا افتتاح کردند تا زنان را برای سمت های بالا در ملل متحد آماده کنند. ساختاری مشابه در صوفیه در سال ۱۹۸۰ برای فعالان افریقائی و آسیائی ایجاد شد. در سال ۱۹۸۵ ، FDIF و کمیته زنان بلغارستان مسئولیت مسکن و تغذیه صدها زن افریقائی را که در مجمع سازمانهای غیر دولتی که به موازات کنفرانس نایروبی برگزار شد ، عهده دار شدند.

علی رغم تشنج های گاه و بیگاه ، این زنان موفق به ایجاد شبکه های فراملی شدند. لیلی مونزه ، چهره برجسته فمینیسم در زامبیا ، اولین تجربه اش در یک کنفرانس بین المللی در مسکو آغاز شد. این عضو سابق هیأت رسمی زامبیا در کپنهاگ و نایروبی ، که سفیر کشورش در فرانسه شد ، در سال ۲۰۱۲ طی مصاحبه ای به اشکال مختلف حمایت کشورهای بلوک شرق از زنان افریقائی که مایل به مبارزه با امپریالیسم غرب بودند اشاره کرد. وی گفت: «این

همکاری به ما کمک کرده است. علاوه بر بازدیدهای متقابل - گاهی اوقات آنها به اینجا می آمدند ، گاهی اوقات ما به دیدن آنها می رفتیم - ما از بورس برای تحصیل در کشورهای سوسیالیستی و پرداخت هزینه های مربوط به شرکت در کنفرانس ها بهره مند شدیم». حمایت جانبدارانه و مادی کشورهای سوسیالیستی ، دولت ایالات متحده را بر آن داشت تا بودجه ای به سازمان های لیبرال فمینیستی (با تمرکز تنها بر موضوع برابری جنسیتی) در کشورهای جنوب اختصاص دهد. بر اساس این که کشورشان همسو با مسکو باشد و یا واشنگتن ، زنان کشورهای جنوب از رقابت مالی بین قدرت های بزرگ استفاده کردند تا در تعداد زیادی از رویدادهای بین المللی در طول دهه ۷۰ تا ۸۰ شرکت کنند و از آنها بهره مند شوند.

در سال ۲۰۱۰ ، هنگامی که تحقیقات در مورد جنبش بین المللی حقوق زنان را آغاز کردیم ، هرگز تصور نمی کردیم چگونه روایت این داستان به نفع فمینیست های امریکائی و متحدان غربی آنها تحریف شده است و چگونه نقش مبارزات زنان در بلوک شرق و کشورهای جنوب علی رغم نفوذ ائتلاف آنها در ملل متحد و انعکاس آن در مبادلات بین المللی ، زودگذر گشته است ؟

بخشی از پاسخ به این سؤال در انتقال سریع رژیم های کمونیستی به «دموکراسی» و تجارت آزاد نهفته است. زنانی که ما بین سالهای ۲۰۱۰ و ۲۰۱۷ در بلغارستان ملاقات کردیم با حقوق بازنشستگی کمی حدود ۲۰۰ یورو در ماه زندگی می کردند. حتی اگر آنها برای بازنشستگی خود پولی هم کنار می گذاشتند ، با از بین رفتن بانک های بلغارستان در اواسط دهه ۱۹۹۰ ، همه چیز را از دست داده بودند و حتی اگر پول را زیر تشک های خود پنهان کرده بودند ، ارزش آن از دست رفته بود و در اثر فشار تورم دود شده و به هوا رفته بود. بعد از فروپاشی، خدمات عمومی ناپدید ، سیستم بهداشتی برچیده و قیمت داروها سر به فلک کشید.

اما برندگان جنگ سرد با چنین مسائلی مواجه نشدند . بیشتر زنان امریکائی که در سه کنفرانس جهانی شرکت کرده بودند از طبقات بالای جامعه بوده و از امتیاز زندگی در کشوری که هنوز هم سر پا بود برخوردار بودند. در سال ۲۰۰۷ ، آروون فریزر اعتقاد داشت که او و شوهرش جزء «پیران طلانی» هستند چرا که از «سلامت جسمی خوب و حسابهای فردی پس انداز بازنشستگی ، حقوق بازنشستگی ، تأمین اجتماعی برخوردارند و هیچ هزینه اضافه ای هم ندارند» و لذا از وقت و منابع لازم برای نوشتن خاطرات و تحقیق بی دغدغه در مورد تجربیات خود در دهه ملل متحد با فراغ بال برخوردارند. آنها به انگلیسی سلیس می نوشتند آنهم در جامعه ای با خرده فرهنگ فمینیستی که مخاطبان مشتاق انتشار تاریخ زنان بودند.

بایگانی هانی که به نابودی تهدید می شوند

فعالان فمینیست غربی غالباً از نفوذ و ارتباطاتی برای اطمینان از حفظ اسناد شخصی خود در بایگانی ها یا انجمنهای تاریخی و دسترسی به آنها برای نسل های جوان محقق برخوردارند. در سال ۲۰۱۸ ، دو زن امریکائی که در دهه ملل متحد نقشی اساسی داشته اند ، به ترتیب در سن ۹۲ و ۱۰۰ سالگی درگذشتند. اولین زن ، آروون فریزر ، در نیویورک تایمز (۷) حق یک آگهی ترحیم را داشت و انجمن تاریخی مینه سوتا هشتاد جعبه آرشیو شامل سخنرانی ها و گزارش های وی از زمان عضویتش در هیأت رسمی ایالات متحده برای مکسیکو سیتی و کپنهاگ را جمع آوری و نگه داری می کند. دومین زن ، میلدرد پرسینگر ، سازمان دهنده سالانه بین المللی زنان ، که همزمان با کنفرانس رسمی در مکسیکوسیتی برگزار می شد ، مقالات خود را به کتابخانه Wyndham Robertson متصل به دانشگاه Hollins در ویرجینیا بخشید. این مؤسسات ابزارهای پیشرفته برای دیجیتالی کردن اسناد دارند ، که کارمحققانی را که به دنبال منابع

دست اول می باشند آسان می کند. بایگانی های Persinger مربوط به دهه ملل متحد برای زنان همچنین به صورت دیجیتالی در پایگاه داده های بین المللی زنان و جنبش های اجتماعی به میزبانی مطبوعات الکساندر استریت موجود است.

زنان در کشورهای سوسیالیست شرق و کشورهای جنوب حق برخورداری از چنین امکاناتی را نداشته اند. آنا دورشوای بلغاری ، که از سال ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۰ خزانه دار FDIF در برلین شرقی بود ، در سال ۲۰۱۴ درگذشت (۸). النا لاگادینووا ، رئیس سابق کمیته زنان بلغارستان و گزارشگر کلی کنفرانس نایروبی ، در اکتوبر ۲۰۱۷ درگذشت (۹). شیبسا کانکاسا ، که زمانی رهبری گروه زنان بریگاد زامبیا را بر عهده داشت ، در سال ۲۰۱۸ فوت کرد (۱۰). این سه زن دارای بایگانی شخصی و یادداشت هایی از فعالیت های خود در دهه ملل متحد برای زنان بودند که اگر وارثان آنها سخاوتمند نبودند و اجازه نمی دادند از برخی از آنها عکس بگیریم و نگهداری کنیم ، از بین می رفت.

اگرچه نام آنها غالباً فراموش گشته ، اما این زنان ائتلاف های محکمی را بر اساس آرمان خود برای ساختن جهانی عادلانه و صلح آمیز ترسیم کرده اند، جهانی که در آن جایگاه سود و آز فراتر از منزلت اساسی ترین نیازهای بشری نباشد. همبستگی های بین کشورهای شرق و جنوب به طرز ماهرانه ای از رقابت های دوران جنگ سرد برای تحمیل پیشرفت در احراز حقوق زنان در سراسر جهان استفاده می کرد.

«مادربزرگ های سرخ» ما معتقد بودند که «جهان دگری ساختن از این خاک» ممکن است. حتی اگر صدای آنها خاموش شده باشد ، امیدواریم که رؤیاهای آنها پایدار بماند.

مآخذ:

۲ - « Listen to the women for a change » (PDF), site du Barnard Center for Research on Women

۳ - Jane Jaquette, « Crossing the line : From academic to the WID office at USAID », dans Arvonne S. Fraser et Irene Tinker (sous la dir. de), Developing Power : How Women Transformed International Development, The Feminist Press at CUNY, New York, ۲۰۰۴.

۴ - Arvonne S. Fraser, The UN Decade for Women : Documents and Dialogue, Westview Press, Boulder (Colorado) et Londres, ۱۹۸۷

- در برخی کشورها زنانی که همسرشان ملیت کشور دیگری را دارد حقوق شهروندی خود را از دست می دهند به ۵ - Warda Mohamed, « Femmes arabes, l'égalité bafouée », Le Monde diplomatique, janvier ۲۰۱۴

۶ - Arvonne Fraser, She's No Lady : Politics, Family, and International Feminism, Nodin Press, Minneapolis, ۲۰۰۷

۷ - Neil Genzlinger, « Arvonne Fraser, who spoke out on women's issues, dies at ۹۲ », The New York Times, ۱۰ août ۲۰۱۸

۸ - « A death in the field », Savage Minds, ۸ janvier ۲۰۱۵

۹ - « The youngest partisan », Jacobin, ۱۲ janvier ۲۰۱۷, www.jacobinmag.com

۱۰ - « Freedom fighter and politician Mama Chibesa Kankasa has died », Lusaka Times, ۲۹ octobre ۲۰۱۸

* - استاد مطالعات در باره روسیه و اروپای شرقی ، عضو گروه فارغ التحصیلان انسان شناسی در دانشگاه پنسیلوانیا.

نویسنده کتاب «چرا زنان در نظام سوسیالیستی رابطه جنسی بهتری داشتند» ، لوکس ، مونترال ، ۲۰۲۰.

برگرفته از: لوموند دیپلماتیک

منتشر شده در تاریخ: جولای ۲۰۲۱ - دوشنبه، ۲۲ قوس ۱۴۰۰